

ترکیه، بحران سوریه و سیاست مقابله با ظهور کردستان (۲۰۲۰-۲۰۱۱)

فرامرز تقی‌لو^۱
مصطفی خیری^۲

چکیده

خیزش‌های عربی در سوریه منجر به سرنگونی حکومت بشار اسد نگردیده، بلکه به جنگ داخلی میان گروه‌های سوری و رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای کسب نفوذ بیشتر منتهی شده است. پیامد چنین وضعیتی کنترل کردستان سوریه توسط حزب اتحاد دمکراتیک بوده است که از آن به‌عنوان شاخه سوری پ.ک.ک. یاد می‌شود. مقاله حاضر به دنبال بررسی این سؤال اصلی است که استراتژی ترکیه در مواجهه با تهدیدات ناشی از ظهور منطقه خودمختار کرد از دل بحران سوریه و در امتداد مرزهای جنوبی ترکیه چه بوده است؟ در تشریح جوانب مختلف این مسئله در ابتدا ماهیت بحران سوریه و چگونگی کنترل کردستان سوریه توسط پ.ی.د. به روش توصیفی و با ارجاع به منابع کتابخانه‌ای بررسی شده است. فرضیه مقاله بر پایه یافته‌های پژوهش این است که ترکیه در ابتدا با پیگیری سیاست صبر و انفعال در قبال داعش و استفاده از اهرم بازرانی تلاش نمود مانع پیدایش کردستان سوریه و یا کنترل آن توسط پ.ی.د. شود. با ظهور کردستان سوریه که بیشتر ناشی از عقب‌نشینی استراتژیک اسد از شمال سوریه و حمایت غرب از پ.ی.د. بود، آنکارا با حضور نظامی در سوریه و چرخش به سوی محور ایران و روسیه از یک سو و امتیازگیری از آمریکا سعی در مهار تهدیدات پ.ی.د. نموده است.

کلیدواژه‌ها: ترکیه، سوریه، کردستان، پ.ک.ک.ک، پ.ی.د، داعش.

^۱ دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تبریز، نویسنده مسئول: f.taghilou@gmail.com

^۲ دانش آموخته دکتری روابط بین‌الملل از دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰

Turkey, the Syrian Crisis and the Policy of Confronting the Rise of Kurdistan (2011-2020)

Faramarz Taghilu¹

Associate Professor of International Relations, University of Tabriz

Mostafa Khiri

PhD of International Relations University of Isfahan

Abstract

The Arab uprisings in Syria did not lead to the overthrow of the Assad regime, but to a civil war between the Syrian groups and the competition of regional and trans-regional powers over getting influence in Syria. The result of such a situation is the control of Kurdistan by Democratic Alliance, which is considered as the Syrian branch of the PKK. The present article aims to examine the Turkish strategy in the face of the threats posed by the emergence of a Kurdish Autonomous Region in the aftermath of the Syrian crisis along the southern borders of Turkey. Therefore, the nature of the Syrian crisis and the ways of controlling Syria's Kurdistan by P.Y.D have been analyzed. According to research findings, Turkey, following a policy of patience and passivity towards ISIL and using Barezany leverage, initially attempted to prevent the emergence of Syria's Kurdistan and controlling it by the P.Y.D, but with the advent of the Syrian Kurdistan, most of which arose from the strategic withdrawal of Assad forces from northern Syria and the Western support of P.Y.D., Ankara turning toward Iran-Russia axis and moving toward military presence in Syria, tried to curb the threats made by P.Y.D. in Syria.

Keywords: Turkey, Syria, Kurdistan, PKK, P.Y.D, ISIL.

مقدمه

در هزاره جدید تحولات موسوم به خیزش‌های عربی، تأثیرات شگرفی بر ساختار قدرت و ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه بر جای گذاشته است. هرچند این خیزش‌ها در ابتدا ماهیتی آزادی‌خواهانه داشتند ولی با گذشت زمان ماهیت خیزش‌های عربی و عمق خواسته‌های گروه‌های مردمی از دموکراسی خواهی به جنگ و درگیری خیابانی میان هویت‌های مختلف تغییر یافت. لذا منازعات میان هویت‌های سیاسی و اجتماعی مختلف جایگزین درخواست‌های دمکراتیک و مترقیانه اولیه گردیدند. بحران سوریه نمونه‌ای از تحولاتی است که در آن منازعات خونین میان گروه‌های قومی و مذهبی جایگزین مطالبات دمکراتیک مردمی گردید. پیدایش این وضعیت در سوریه آنکارا را در وضعیت ابهام و سردرگمی قرار داد. این کشور

¹ Corresponding Author: f.taghilou@gmail.com

آمادگی مواجهه با واقعیت‌های جدید در بحران‌های منطقه‌ای از جمله سوریه را نداشت و برخلاف ایران و عربستان از پتانسیل سیاسی و زیربناهای منطقه‌ای لازم برای شکل دادن به جنگ‌های هویتی در منطقه برخوردار نیست. با توجه به بافت مذهبی و جغرافیایی منطقه، گروه‌های در حال مبارزه با یکدیگر شباهت و ارتباط فکری چندانی با ترکیه ندارند. صحنه‌گردانان اصلی ماجرا در سوریه دو طیف سنی‌ها و شیعیان هستند. نفوذ و تأثیرگذاری در بحران سوریه نیازمند اتحاد استراتژیک با این گروه‌ها و داشتن علایق ایدئولوژیک با آنهاست که آنکارا فاقد ظرفیت‌های لازم برای سرمایه‌گذاری روی این گروه‌هاست. با توجه به شکاف‌بندی‌های قومی و سیاسی موجود در ترکیه، رهبران حزب عدالت و توسعه نگران از فعال شدن گسل‌های قومی در داخل جغرافیای خود هستند. ترکیب قومی-مذهبی ترکیه نمود و آیین‌ها واقعیت‌های موجود در منطقه به‌خصوص سوریه است. تقسیم‌بندی‌های مذهبی میان علوی‌ها و سنی‌ها در کنار شکاف قومی ترک و کرد از جمله دغدغه‌های مشترک ترکیه با سوریه هستند. از همین رو ترکیه تحولات سوریه را از لنز چالش‌های سیاسی داخلی خود نگاه می‌کند.

رهبران ترکیه در مواجهه با چالش‌ها ناشی از بحران سوریه بدون در نظر گرفتن توان و قدرت عمل خود با شتاب‌زدگی وارد صحنه تحولات پیچیده سوریه شدند و به حمایت از مخالفان دمشق پرداختند. عقب‌نشینی اسد از مناطق کردنشین سوریه در سال ۲۰۱۲ برای تمرکز قوا در مناطق استراتژیک سوریه و به تلافی اقدامات ترکیه در حمایت از مخالفین حکومت زمینه‌ساز تأسیس مناطق خودمختار کرد در شمال سوریه توسط گروه‌های کردی همسو با پ.ک.ک. گردید. ابعاد منطقه‌ای تهدیدات پ.ک.ک. را می‌توان مهم‌ترین چالش امنیتی ترکیه دانست (kardas, 2010, p.118) و تحولات سوریه بر ابعاد منطقه‌ای این تهدیدات دامن زده است. مقامات نظامی و رهبران سیاسی ترکیه کنترل شمال سوریه توسط شاخه سوری پ.ک.ک. را تهدید حیاتی برای منافع این کشور دانسته و همواره از آن به‌عنوان دالان تروریستی یاد می‌نمایند (Türkiye Cumhuriyeti Cumhurbaşkanlığı, 2018). بی‌ثباتی‌های مرزی و فعال شدن دوباره پ.ک.ک.، رخنه تروریست‌های تکفیری به خاک ترکیه و از همه مهم‌تر کنترل کردستان سوریه توسط شاخه سوری پ.ک.ک.؛ یعنی حزب اتحاد دمکراتیک^۱ (پ.ی.د.) و شاخه نظامی آن یعنی یگان‌های مدافع خلق^۲ (ی.پ.گ.) از جمله نتایج منفی بحران سوریه برای امنیت ملی ترکیه می‌باشند. ارتباط معنادار

^۱. Democratic Union Party (PYD)

^۲. People's Protection Units (YPG)

فکری و سیاسی حزب پ.ک.ک با یگان‌های مدافع خلق کرد سوریه، هراس رهبران ترکیه را از تشکیل یک دولت خودمختار کردی در جغرافیای بزرگ سوریه و ترکیه را برانگیخته است. پیدایش چنین امری شرایط دشواری را پیش روی آنکارا گذاشته است. این کشور از یکسو مواجه با تهدیدات فراوان امنیتی و سیاسی از ناحیه کردها و داعش شده است و از طرف دیگر با توجه به خصومت و دشمنی علنی با دولت سوریه قادر به همکاری با دمشق برای رفع خطرها نیست. مواجهه دولت ترکیه با یگان‌های مدافع خلق و معرفی آن‌ها به عنوان سازمانی تروریستی در شرایطی صورت می‌گیرد که روسیه آن‌ها را یکی از بازیگران تحولات سوریه به رسمیت می‌شناسد و مهم‌تر اینکه قدرت‌های غربی و در رأس آن‌ها دولت آمریکا از این گروه حمایت نظامی و سیاسی می‌کنند. دولت‌های غربی یگان‌های مدافع خلق را مؤثرترین نیرو در مبارزه با داعش قلمداد می‌نمایند. به عبارتی بهتر استراتژی آنکارا برای مواجهه با مسئله ظهور منطقه خودمختار کرد در شمال سوریه و تحت کنترلی. پ.ک.ک. با چالشی جدی روبروست و آن مشروعیت بین‌المللی گروه مذکور است که در سایه مبارزه مؤثر با داعش برای خود کسب نموده است. مبارزه ترکیه با یگان‌های مدافع خلق در شرایطی که جامع بین‌المللی و خود این گروه بر مبارزه با داعش متمرکز شده بودند تأثیر منفی بر وجهه ترکیه نزد افکار عمومی بین‌المللی داشته است. مسئله دیگر اینکه این گروه تأمین‌کننده منافع غرب در منطقه به شمار می‌رود، در نتیجه استراتژی آنکارا برای مواجهه با ظهور منطقه خودمختار کردستان سوریه، روزاوا^۱، به تنش در روابط دولت ترکیه با متحد کلیدی این کشور یعنی آمریکا منجر شده است. به طوری که رئیس‌جمهور آمریکا، دونالد ترامپ^۲، ترکیه را همواره از حمله نظامی به شمال سوریه بر حذر داشته و مقامات آنکارا را به نابودی اقتصاد این کشور در صورت حمله نظامی به منطقه کردستان سوریه در شرق رودخانه فرات تهدید کرده بود.

پیشینه پژوهش

ناتالی توکسی^۳ (۲۰۱۳) مقاله‌ای را در پژوهشکده امور بین‌الملل و با عنوان «قمار کردی ترکیه» منتشر نموده است. وی مسئله کردها در سوریه و عراق را مورد بررسی قرار داده و به چالش‌های پیش روی ترکیه در این زمینه و رویکرد ترکیه در این مورد پرداخته است. تأکید اصلی مقاله بر این بوده است که ترکیه

^۱. Rojava

^۲. Trump

^۳. Tocci

سعی دارد از طریق اتحاد با حکومت اقلیم کردستان عراق، به خصوص حزب دمکرات مسعود بارزانی تهدیدات ناشی از قدرت یابی حزب اتحاد دمکراتیک کردهای سوریه که حزبی وابسته به پ.ک.ک. است را خنثی نماید. تاش پینار و تولز^۱ (۲۰۱۴) مقاله‌ای ارزشمند در پژوهشکده بروکینز و تحت عنوان «ترکیه و کردها: از معضل تا فرصت» به چاپ رسانده‌اند. در این نوشتار مسئله کردی به عنوان مشکلی برای سیاست خارجی ترکیه مطرح شده و در آن بر ابعاد داخلی و منطقه‌ای مسئله کردی ترکیه توجه شده است. به همین دلیل ترکیه برای حل مسئله کردها در این کشور در داخل فرایند مصالحه با کردها را در پیش گرفت. در ادامه رویکرد سیاست خارجی این کشور در قبال کردهای سوریه و ظهور کردستان شمال سوریه مورد مطالعه واقع شده است. در این اثر به رویکرد مصالحه با کردهای شمال عراق، استفاده از اهرم بارزانی و شورای ملی کردهای سوریه برای به حاشیه راندن شاخه سوریه پ.ک.ک. تأکید شده است. بر انفعال ترکیه در قبال فعالیت‌های گروه‌های جهادی و چشم‌پوشی آنکارا در قبال نقل و انتقال تجهیزات و نیرو به گروه‌های جهادی از جمله جبهه النصره برای تضعیف و کنترل قلمرو کردستان سوریه توسط این گروه‌ها اشاره شده است. از دید نویسندگان چنین وضعیتی در کنار حمایت‌های غرب و در رأس آن آمریکا از گروه‌های کرد سوریه به تنش در روابط ترکیه و غرب منجر شده است.

گونش و لوو^۲ (۲۰۱۵) مقاله مفصلی را در رابطه با بحران سوریه و تأثیرات آن بر بازیگران کرد منطقه خاورمیانه در مؤسسه چتم هاوس و تحت عنوان «تأثیر جنگ سوریه بر سیاست کردی در منطقه خاورمیانه» منتشر نموده‌اند. در این مقاله بحران سوریه و چگونگی ظهور منطقه خودمختار کرد در شمال سوریه مورد بحث قرار گرفته است. در ادامه مقاله، حمایت‌های قدرت‌های غربی از حزب اتحاد دمکراتیک کردهای سوریه و شاخه نظامی آن یعنی یگان‌های مدافع خلق و نگرانی‌های کشورهای منطقه نظیر ایران و ترکیه مورد اشاره قرار گرفته است. در پایان بر همسویی ترکیه با ایران در رابطه با ظهور کردستان سوریه و تلاش ترکیه بر استفاده از اختلاف‌های کردی، به خصوص اختلاف دیرین پ.ک.ک. و حزب دمکرات بارزانی برای تضعیف شاخه سوری پ.ک.ک. در سوریه تأکید شده است. انگین یوگسل^۳ و اروین وان وین^۴ (۲۰۱۹) استراتژی دولت ترکیه در مواجهه با مسئله قدرت‌یابی منطقه کردستان سوریه موسوم به روزاوا را

1. Taspinar&Toll

2. Gunes&Lowe

3. Engin Yüksel

4. Erwin van Veen

مورد مطالعه قرار داده‌اند. در اثر مذکور که «ترکیه در شمال غرب سوریه» نام دارد، گفتمان رسمی و اقدامات عملی آنکارا در این زمینه مورد مطالعه قرار گرفته و بر تلاش ترکیه برای کسب جا پای مستحکم در شمال غرب سوریه از طریق اقدامات نظامی و نفوذ در منطقه اشاره شده است. نوشتار مذکور بر بازسازی مناطق تحت کنترل توسط آنکارا جهت کسب نفوذ در این مناطق تأکید دارد. یکی دیگر از اقدامات ترکیه برای تقویت نفوذ در منطقه ترکی سازی منطقه از طریق حمایت از ترکن‌ها و تلاش برای بیرون کردن کردها ذکر شده است. فارغ از اینکه ترکن‌ها جمعیت اندکی هستند و فاقد چنین ظرفیتی می‌باشند و بیشتر جمعیت منطقه را اعراب سنی تشکیل می‌دهند. در مجموع از دید نویسندگان استراتژی آنکارا هدف به تحلیل بردن دستاوردهای سرزمینی و سیاسی کردها را در نظر دارد. برگ^۱ (۲۰۱۹) در کتابی تحت عنوان «جنگ داخلی سوریه و مسئله امنیت ملی ترکیه» پیامدهای این جنگ بر امنیت ترکیه را در بازه زمانی ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۹ مورد مطالعه قرار داده است. در این کتاب پیشروی‌های سرزمینی شاخه سوری پ.ک.ک. و گروه‌های وابسته به داعش در شمال سوریه در کنار تهدیدات ناشی از حضور گسترده آوارگان سوری در ترکیه و به دنبال آن چالش‌های متوجه تمامیت ارضی و حاکمیت ملی ترکیه مورد اشاره واقع شده است. از دید نویسنده، هجوم آوارگان موجب تغییر ترکیب جمعیتی استان‌های مرزی ترکیه و بی‌ثباتی‌هایی برای این کشور شده است. در چنین شرایطی مداخله نظامی ترکیه در شمال سوریه ضروری به نظر می‌رسید.

اصلی آیدین تاش باش^۲ (۲۰۲۰) مقاله‌ای در مؤسسه شورای روابط خارجی اروپا و با عنوان «غزه جدید: سیاست مرزی ترکیه در شمال سوریه» به رشته تحریر در آورده است. در این نوشتار تنها به رویکرد نظامی ترکیه برای دفع تهدیدات شاخه سوری پ.ک.ک. یعنی یگان‌های مدافع خلق اشاره شده است. از دید نویسنده منطقه امن ایجاد شده با جمعیتی بیش از چهار میلیون نفر که بیشترشان عرب سنی هستند هرچند امروزه عاری از یگان‌های مدافع خلق کرد است اما درعین حال چالش‌هایی برای ترکیه با خود می‌تواند در آینده داشته باشد. هزینه مالی اداره این مناطق و وجود گروه‌های اسلامی رادیکال از آن جمله هستند. چالش‌هایی که می‌توانند ترکیه را با خطر غزه شدن منطقه درگیر نمایند. نویسنده در آخر همکاری ترکیه و اروپا برای مواجهه با مسئله غزه شدن منطقه را ضروری می‌بیند. سیمن آدار (۲۰۲۰) مسئله ایجاد منطقه امن

^۱. Berg

^۲. Asli Aydıntaşbaş

در شمال سوریه را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. از دید نویسنده، عقب‌نشینی آمریکا زمینه ایجاد منطقه امن در شرق فرات را برای ترکیه فراهم نموده است. هدف ترکیه در مرحله اول جلوگیری از شکل‌گیری منطقه خودمختار و یا مستقل کرد در شمال سوریه بود. هدف دیگر ترکیه بازگردان آوارگان سوری به این منطقه می‌باشد. زیرا حضور طولانی مدت آن‌ها در ترکیه به چالشی برای حزب عدالت و توسعه تبدیل شده بود. در این راستا آنکارا به دنبال جلب همکاری اروپا در این موضوع نیز بود و می‌خواست به کشورهای اروپایی این پیام را بدهد که در مسئله آوارگان منافع هر دو طرف همسو می‌باشد.

پژوهش‌های مذکور هرچند حاوی مطالب ارزشمندی در این خصوص می‌باشند ولی بررسی‌های انجام شده در رابطه با ادبیات تولید شده در زمینه استراتژی ترکیه در قبال تحولات شمال سوریه بیانگر آن است که در هیچ‌کدام از آثار مذکور به استراتژی کلان ترکیه در مواجهه با مسئله ظهور کردستان روژاوا در امتداد مرزهای جنوبی این کشور در یک قالب کلی توجه نگردیده است. همچنین در آثار تولید شده رویکرد ترکیه به عنوان متحد غرب در چرخش به سوی محور ایران و روسیه با وجود نارضایتی دنیای غرب مورد غفلت واقع شده است.

چارچوب نظری: واقع‌گرایی تدافعی و دغدغه امنیت

در نگاه واقع‌گرایان، مشخصه سیاست بین‌الملل، ماهیت آنارشیک آن است. در ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل، ضروری‌ترین قاعده عمل خودیاری است. زیرا هیچ‌یک از نهادهای فوق ملی دارای توان تسلط بر نظام بین‌الملل نمی‌باشند و بنابراین، دولت‌ها در نظام بین‌الملل بایستی بر توان خود اتکا نمایند (Krasner, 1981, p.3). به عبارتی دیگر ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل و نبود دولت هژمونیک که بتواند امنیت جهان را تأمین کند، دولت‌ها را وادار می‌کند تا جهت تأمین بقای خود به اصل خودیاری متوسل شوند. مطابق اصل خودیاری دولت‌ها مسئول تأمین امنیت خودشان می‌باشند. از آنجایی که دولت‌ها همواره نگران اقدامات و نیت سایر بازیگران می‌باشند، هرگونه تلاش جهت تأمین امنیت خود از سوی دیگری تهدید قلمداد می‌شود و این مسئله خود به معمای امنیت در نظام بین‌الملل منجر می‌شود. به این ترتیب دغدغه تأمین امنیت را باید یکی از مباحث کلیدی در میان نظریه‌پردازان واقع‌گرایی با گرایش‌های مختلف دانست. در چارچوب پارادایم واقع‌گرایی رفتار عقلایی به عنوان رفتاری که منافع ملی دولت‌ها را تأمین می‌نماید تعریف می‌شود. بر اساس واقع‌گرایی، ایجاد توازن، توسل به جنگ، توافقات بین دولت‌ها و تهدیدات از جمله تاکتیک‌هایی هستند که از سوی دولت‌ها به منظور تأمین بقا و دستیابی به اهداف اتخاذ می‌شوند.

واقع‌گرایی نوکلاسیک به‌عنوان یکی از شاخه‌های پارادایم واقع‌گرایی در تبیین سیاست خارجی دولت‌ها از اهمیت ویژه برخوردار می‌باشد. این نظریه که ترکیبی از واقع‌گرایی کلاسیک و نواقع‌گرایی است، عناصر و مفروضه‌هایی از واقع‌گرایی کلاسیک و نواقع‌گرایی را در هم می‌آمیزد. به بیانی دقیق‌تر در تبیین سیاست خارجی کشورها هر دو دسته از متغیرهای سیستمیک و سطح واحد را مد نظر قرار می‌دهد. واقع‌گرایی نوکلاسیک از یک سو، همچون والتز و دیگر نواقع‌گرایان، تأثیر ماهیت آنارشیک نظام بین‌الملل و فشارهای ناشی از آن بر رفتار کشورها را می‌پذیرد. از سویی دیگر، مانند واقع‌گرایی کلاسیک، تأثیر ویژگی‌های داخلی دولت‌ها، برداشت‌های رهبران و به عبارتی متغیرهای سطح واحد بر رفتار دولت‌ها را نیز مورد توجه و تحلیل قرار می‌دهد. در اصل فشارها و محدودیت‌های ناشی از ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل از طریق متغیرهای میانجی یعنی متغیرهای سطح واحد تأثیر می‌گذارند (Rose, 1998, p.146). لذا واقع‌گرایی نوکلاسیک ارائه شده در چارچوب پارادایم واقع‌گرایی، با رفع نارسایی‌ها و کمبودهای موجود در واقع‌گرایی کلاسیک و نواقع‌گرایی دارای توان تبیینی خوبی در بررسی سیاست خارجی کشورها می‌باشد. واقع‌گرایان نوکلاسیک خود به دو دسته واقع‌گرایان تدافعی و تهاجمی تقسیم می‌شوند. دغدغه اصلی واقع‌گرایی تدافعی مسئله امنیت می‌باشد. در واقع‌گرایی تهاجمی به واسطه فضای آنارشیک نظام بین‌الملل و بی‌اعتمادی میان دولت‌ها فضای چندانی برای همکاری باقی نمی‌ماند و به‌خصوص در حوزه‌های امنیتی با موضوع عدم همکاری دولت‌ها مواجه هستیم. درحالی‌که از دید واقع‌گرایی تدافعی هرچند همکاری دولت‌ها با مشکلاتی همراه است و ممکن است خطراتی باخود به همراه داشته باشد ولی خطرات رقابت بیشتر از همکاری است.

نظریه واقع‌گرایی تدافعی رویکرد سیاست خارجی کشورها را واکنش به تهدیدات خارجی قلمداد می‌نماید. بر اساس نظریه واقع‌گرایی، سیاست خارجی تدافعی واقع‌گرا به دنبال ارتقا امنیت نسبی دولت‌ها در نظام بین‌الملل آنارشیک می‌باشد. مطابق این رهیافت دولت‌ها زمانی که احساس ناامنی می‌نمایند، سعی می‌کنند قدرت و نفوذ خود را افزایش دهند. بنابراین حضور دولت در خارج از مرزهای ملی فقط در شرایط تصور ناامنی صورت می‌گیرد (Walt, 1987, p.39). استفن والت^۱ را می‌توان یکی از اندیشمندان اصلی واقع‌گرایی تدافعی دانست. وی در تبیین سیاست خارجی دولت‌ها بر تلاش آن‌ها در ایجاد موازنه در برابر بازیگران تهدیدکننده تأکید خاصی دارد. والت فرضیه موازنه قوا را که بر مبنای آن در ساختار

^۱. Stephan Walt

آنارشیستیک نظام بین‌الملل دولت‌ها در برابر قدرت برتر اقدام به موازنه‌سازی می‌کنند مورد تردید جدی قرار داد. پرسش اساسی والت این بود که چرا پس از جنگ سرد موازنه علیه ایالات متحده آمریکا شکل نگرفته است؟ عدم تحقق فرضیه موازنه علیه قدرت برتر یعنی دولت آمریکا و در دوره پس از جنگ سرد، استفن والت را به سوی اصلاح نظریه موازنه قوا سوق داد. به عبارتی بهتر پرسش مذکور نقطه تمرکز نظریه موازنه قوا را به سوی موازنه تهدید کشاند (Walt, 2005, p.44). از دید والت کشورها نه در برابر قدرت برتر، بلکه در برابر بازیگرانی موازنه ایجاد می‌کنند که برای آن‌ها به شکل خاصی خطرناک جلوه می‌کنند (Walt, 1987, p.21). وی بهره‌گیری دولت‌ها از سیاست اتحاد و ائتلاف را واکنشی تدافعی از سوی بازیگران برای رفع تهدیدات امنیتی می‌داند. از دید وی موازنه تنها به معنی اتحاد با دیگر بازیگران و یا موازنه‌سازی درونی و تقویت مؤلفه‌های درونی قدرت از جمله تقویت توان نظامی نیست، بلکه موازنه را می‌توان هر نوع استراتژی دولتی دانست که هدف آن کاهش تهدیدها از طریق تقویت وضعیت امنیتی دولت تهدید شده در ارتباط با متجاوز می‌باشد (Bock & Ingo, 2013). برای فهم میزان و درجه تهدید باید عواملی نظیر قدرت عمومی، نزدیکی جغرافیایی، قدرت تهاجمی و نیت و رفتار تهدیدآمیز منشأ تهدیدزا در نظر گرفته شوند. توان تهدیدزایی با فاصله جغرافیایی نسبت برعکس دارد. نزدیکی جغرافیایی منشأ تهدید باعث خواهد شد تا آن تهدید از شدت بیشتری برخوردار شود. قدرت تهاجمی، توانایی یک بازیگر برای تهدید کردن حاکمیت یا تمامیت سرزمینی دولت دیگر با هزینه‌ای قابل قبول است. سرانجام، بازیگرانی که تجاوز پیشینه تصور شوند، احتمال بیش‌تری دارد که موجب ایجاد توازن شوند. از دید منتقدین واقع‌گرایی تدافعی، امنیت مورد تأکید در این نظریه یک مفهوم قابل انعطاف می‌باشد و تعریف آن اقدامی دشوار به نظر می‌رسد و هرگونه اقدام سیاست خارجی دولت‌ها از تلاش برای تأمین بقا تا برداشتن گام‌هایی برای ایجاد امپراتوری جهانی و گسترش قلمرو جغرافیایی می‌تواند به‌عنوان تلاشی برای تأمین امنیت کشور تعریف گردد (Zakaria, 1998, p.22). با توجه به مطالب مذکور، رویکرد سیاست خارجی ترکیه در قبال ظهور کردستان سوریه از منظر واقع‌گرایی تدافعی قابل تبیین می‌باشد. زیرا این کشور عامدانه امنیت ملی سایر بازیگران را تهدید نمی‌نماید. به عبارتی دیگر استراتژی ترکیه در قبال تحولات شمال سوریه برخاسته از حس ناامنی ناشی از فضای سیاسی-امنیتی بحران سوریه می‌باشد.

بحران سوریه

با آغاز خیزش‌های عربی در منطقه، مردم سوریه نیز بر خواسته‌های دموکراتیک از طرق غیرنظامی اصرار ورزیدند. این اعتراضات ابتدا از سوی گروه‌های چپ‌گرا و سکولار سازماندهی شدند. این گروه‌ها

خواستار حقوق سیاسی و اجتماعی بیش‌تر بودند. اما به تدریج با تداوم این امر و با مداخله قدرت‌های خارجی جنس و شکل اعتراضات دگرگون گشت. ابتدا دولت سعودی در تابستان ۲۰۱۱ با حمایت از گروه‌های مذهبی جرقه منازعه در بحران سوریه را برافروخت (Babri & Khiri, 2017, P.77). دولت بعثی سوریه از همان ابتدای بحران، استراتژی خود را روی انجام اصلاحات قرار داد. در همین راستا بشار اسد وضعیت امنیتی اضطراری را برای اولین بار در طول ۴۰ سال اخیر برداشت. این اصلاحات با وجود برگرداندن حقوق شهروندی و هویتی به مردم سوریه نتوانست شعله‌های اعتراض را خاموش سازد. اعتراضات در سوریه به سبب ورود متغیرهای متعدد داخلی و خارجی عمیق‌تر شد و به شدت قدرت سازمانی و نظامی رژیم اسد را تضعیف ساخت.

بازی قدرت کشورهای بزرگ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و رقابت‌های پنهان سیاسی و تاریخی میان آن‌ها، بحران سوریه را به صدر دستور کار بین‌المللی هدایت کرد. بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شروع به اتخاذ سیاست‌ها و استراتژی‌هایی برای بهره‌گیری از این تحولات جهت به حداکثر رساندن منافع و کاهش ضرر و زیان ناشی از آن نمودند. از میان کشورهای تأثیرگذار بر تحولات سوریه می‌توان ترکیه را نام برد که به دلایلی چون داشتن تاریخ، فرهنگ، مذهب و جغرافیای مشترک به ایفای نقش فعال و اثرگذار در این تحولات پرداخته است. رهبران ترکیه ابتدا سیاست محتاطانه‌ای را نسبت به ناآرامی‌های سوریه اتخاذ کردند. در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ داوود اغلو^۱ خطاب به بشار اسد خواهان توجه به صدای مردم و خویشتن‌داری در برابر معترضان با اعمال اصلاحات و انجام گفتگوی ملی با اخوان المسلمین شد (Phillips, 2011, pp.33-36). با تعمیق بحران، آنکارا سیاست حل اختلاف با همسایگان و سیاست مشارکت با سوریه را تغییر داد و به میزبانی و حمایت از مخالفین حکومت سوریه اقدام نمود. در واقع ترس از گسترش ناامنی میان مرزهای دو کشور و جلوگیری از شیوع یافتن اختلافات قومی مهم‌ترین عواملی بودند که باعث اتخاذ سیاست تقابل‌گرایانه از سوی ترکیه گردیدند (Esmailzadeh, 2014, p.334). در ادامه رویکرد تقابل‌گرایانه آنکارا، شورای ملی سوریه^۲ با حمایت ترکیه اقدام به تأسیس شعبه سیاسی در این کشور نمود.

^۱. Davutoğlu

^۲. Syrian National Council

ظهور مناطق خودمختار کرد از دل بحران سوریه

تداوم تنش‌ها و درگیری‌ها در مناطق حساس و استراتژیک سوریه نظیر حلب^۱، حمص^۲ و تسری آن به سمت دمشق، ارتش سوریه را ناچار ساخت از اعمال کنترل و نفوذ بر مناطق شمالی که محل اسکان جمعیت بزرگ کردی است، دست بردارد. عقب‌نشینی اسد از شمال سوریه در سال ۲۰۱۲ مبتنی بر این ایده بود که با توجه به توان نظامی اندک و نبودن تجهیزات نظامی قابل توجه به راحتی می‌توان کردها را شکست داد. از دید اسد وضعیت موجود در مناطق کردنشین سوریه یعنی حاکمیت کردها در این مناطق به عنوان یک وضعیت موقتی می‌تواند قابل تحمل باشد. به‌خصوص اینکه نقش گروه‌های کردی به‌عنوان موازنه‌ای در برابر گروه‌های مخالف نظیر داعش می‌تواند برای دولت مرکزی سوریه دارای اهمیت استراتژیک باشد (Cemgil&Haffman, 2017, p.60). عقب‌نشینی ارتش سوریه از مناطق کردنشین این کشور فرصتی استثنایی برای نیروهای پ.ک.ک. و به‌خصوص شاخه سوری آن به شمار می‌رفت. لذا گروه‌های شبه‌نظامی کرد سوریه که طی سالیان دراز در کنار پیکارجویان پ.ک.ک. مشغول گذراندن دوره‌های آموزش نظامی بودند، به همراه پ.ک.ک. وارد شمال سوریه شدند. یگان‌های مدافع خلق کرد سوریه، شاخه نظامی حزب اتحاد دموکراتیک (پ.ی.د.)، سه استان عمده در شمال سوریه یعنی استان‌های عفرین^۳، کوبانی و جزیره^۴ را به تصرف خود درآوردند. به این ترتیب عقب‌نشینی اسد از شمال سوریه در سال ۲۰۱۲ به حزب اتحاد دموکراتیک حزبی که وابسته به پ.ک.ک. است این فرصت را داد تا در امتداد مرزهای ترکیه و سوریه مسلط شده و با حمایت پ.ک.ک. در ۱۲ نوامبر ۲۰۱۳ اعلام خودمختاری کند. نقشه زیر مناطق تحت کنترل پ.ی.د. قبل از انجام عملیات ترکیه در عفرین در ۲۰۱۶ را نشان می‌دهد.

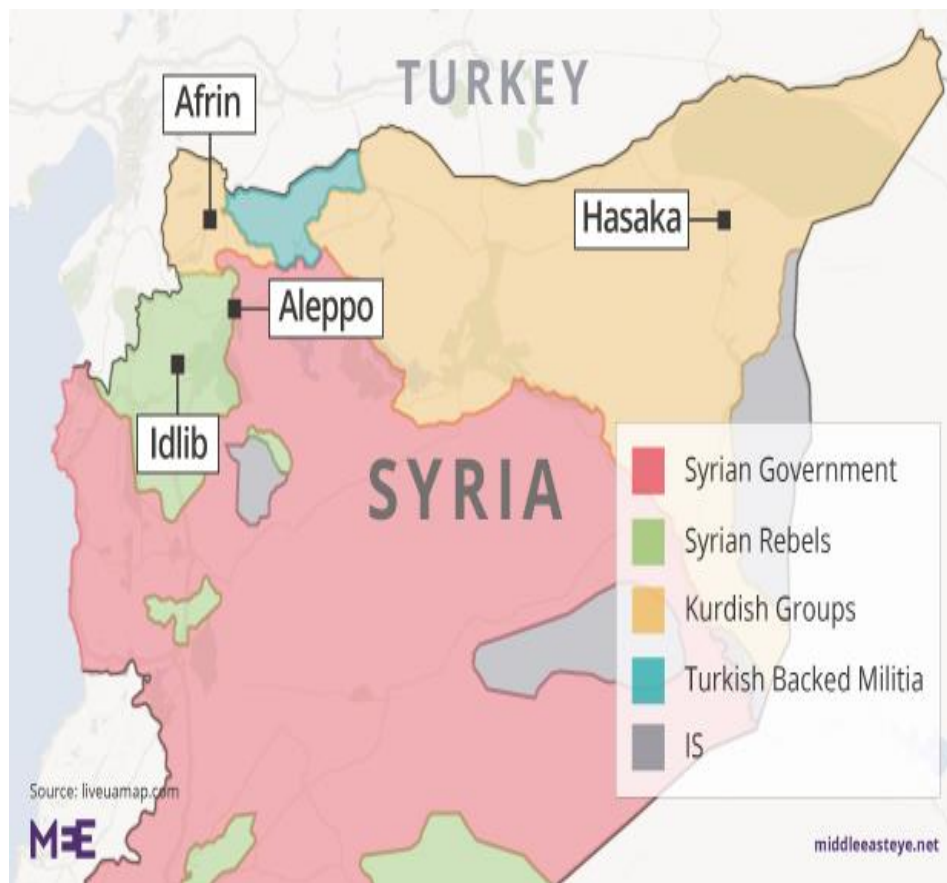
در ادامه تحولات داخلی سوریه، پیشروی‌های داعش در مناطق کردنشین سوریه و عقب‌نشینی‌های بعدی آن موجب کنترل بخش‌های بیشتری از کردستان سوریه توسط یگان‌های مدافع خلق کرد سوریه گردید. یگان‌های مدافع خلق و واحدهای مدافع زنان که حمایت هوایی ائتلاف ضد داعش به رهبری آمریکا را در پشت سر خود داشتند توانستند موفقیت‌های قابل توجهی در مبارزه با داعش به دست آورده و بر قلمرو جغرافیایی کردستان سوریه بیفزایند.

1. Aleppo

2. Homs

3. Afrin

4. Cizre



(Ibrahim, 2018)

در جنگ‌های خونین میان داعش و کردها در شمال سوریه، نبرد کوبانی از اهمیت نمادین برای کردها برخوردار بوده است. اشغال شهر کردنشین کوبانی توسط داعش و بازپس‌گیری آن با مشارکت کردهای دیگر کشورهای منطقه باعث گردید که این شهر به نماد مقاومت کردی تبدیل شود و نشانه رشد ناسیونالیسم کردی در منطقه خاورمیانه باشد. در این میان دریافت تجهیزات نظامی و حمایت‌های هوایی از طرف ائتلاف ضد داعش در پیشروی‌های کردها و شکست داعش مؤثر بوده است. به این ترتیب بحران سوریه موجب پیدایش خلأ قدرتی در شمال سوریه گردید و شاخه سوری پ.ک.ک. یعنی پ.ی.د. توانست آن را پر کند. امروزه کنترل شهرداری‌ها و دیگر ادارات و نهادهای مهم دولتی در مناطق کردنشین سوریه در اختیار این گروه‌ها قرار دارد. در حال حاضر آن‌ها با نصب کردن پرچم و نمادهای سیاسی و

ایدئولوژیک خود مدعی حاکمیت مشروع بر این مناطق هستند (International Crisis Group, 2013, p.4).

نگرانی‌های امنیتی ترکیه از قدرت‌یابی پ.ی.د.

ناآرامی‌های سوریه فرصت مناسبی را برای تغییر شیفت جغرافیایی پ.ک.ک فراهم آورده است. در نتیجه بحران سوریه جمعی از اعضای این گروه به همراه همتای سوریه خود به مناطق کردنشین سوریه بازگشتند (International Crisis Group, 2013, p.8). تحولات منطقه‌ای و در امتداد مرزهای جنوبی ترکیه بر نگرانی‌های آنکارا از شکل‌گیری قنبدیل جدید در شمال سوریه دامن زده است. در واقع امروزه مناطق خودمختار کرد در شمال سوریه پناهگاهی امن برای فعالیت مبارزان پ.ک.ک. گردیده و به تشدید حملات پ.ک.ک. به داخل ترکیه منجر شده است (Tocci, 2013, p.71). با توجه به وابستگی بالای این گروه به حزب کارگران کردستان ترکیه، هم‌زمان با قدرت‌یابی پ.ی.د. نگرانی‌هایی از سوی محافل سیاسی ترکیه در رابطه با از سر گرفته شدن حملات سازمان یافته پ.ک.ک. به وجود آمده بود. روند تحولات بی‌مورد نبودن نگرانی‌های آنکارا از ظهور پ.ی.د. را به اثبات رساند (Gunter, 2016, p.84). در واقع پ.ی.د. زمینه فعالیت‌های تروریستی در داخل ترکیه را فراهم نموده و فعالیت‌های تجزیه‌طلبانه را تسهیل کرده است (Dapkus, 2016, p.53). در سال‌های اخیر تعداد زیادی حملات انتحاری مرگبار که قربانیان آن‌ها را عمدتاً غیرنظامیان تشکیل می‌دادند در ترکیه صورت گرفته است. عاملین این حملات در شمال سوریه و منطقه تحت کنترل حزب اتحاد دموکراتیک آموزش دیده بودند. برای نمونه عامل حمله انتحاری مارس ۲۰۱۶ در آنکارا که در یک ایستگاه اتوبوس روی داد و طی آن ۳۷ نفر کشته و ۱۲۵ تن زخمی شدند در منطقه کردنشین سوریه فعالیت داشته و آموزش دیده بود (Kurd press news agency, 2017). عقاب‌های آزادی کردستان (تاک)^۱، شاخه افراطی پ.ک.ک.، نه تنها مسئولیت این حمله بلکه حملات مشابهی را که غیرنظامیان را هدف قرار داده‌اند بر عهده گرفته است.

مسئله دیگر در این رابطه ظهور جنبش ملی‌گرای کردی در میان کردهای سوریه و نگرانی رهبران ترکیه از احیای دوباره ناسیونالیسم کردی در جنوب شرق این کشور می‌باشد. پویش‌های منطقه‌ای موجب الگوگیری گروه‌های کردی ترکیه از کردهای سوریه و عراق شده است و بر تلاش‌های پ.ک.ک. برای کسب خودمختاری و استقلال افزوده است. برای مثال قدرت‌یابی پ.ی.د. به پ.ک.ک. جرأت داد و به

^۱. Teyrebazen Azadiya Kurdistan (TAK)

فروپاشی پروسه صلح ترکیه با پ.ک.ک. منجر گردید (Chittenden, 2016, p.35). با الهام از تحولات شمال سوریه پ.ک.ک. سعی نمود شهرهایی کوچک در مرز ترکیه با سوریه را اشغال نماید و به این ترتیب مردم شهرهای کردنشین ترکیه را به شورش تشویق نماید. به همین دلیل یکی از نگرانی‌های جدی ترکیه از تحولات سیاسی سوریه مسئله آینده سیاسی کردهای شمال سوریه می‌باشد. چشم‌انداز شکل‌گیری دولت مستقل کرد در شمال سوریه و در امتداد مرزهای جنوبی ترکیه می‌تواند آرزوهای استقلال‌طلبانه کردهای ترکیه را تشویق نماید (Broker, 2016, p.18). کردهای ترکیه نه تنها از پیدایش دولت کرد در جنوب و جنوب شرقی ترکیه حمایت می‌کنند بلکه خواهان پیوستن مناطق کردنشین جنوب شرقی ترکیه به چنین دولتی می‌باشند (Nader & Others, 2016, p.xi). استقلال کردهای سوریه یک کمربند کردی در جنوب ترکیه ایجاد خواهد کرد؛ کمربندی که تا سواحل دریای مدیترانه ادامه داشته و موجب جدایی ترکیه از جهان عرب خواهد شد.

در اوایل دهه ۲۰۰۰ پ.ک.ک. استراتژی جدیدی را در راستای دیدگاه ایدئولوژیک اوجلان و اهداف سیاسی جدید حزب اختیار نمود. استراتژی جدید پ.ک.ک. مبتنی بر مناطق کنفدرالی بود که جغرافیای سیاسی ترکیه را درمی‌نوردید و دیگر کشورهای منطقه را نیز در بر می‌گرفت. در این مدل مناطق کردنشین چهارگانه با کشورهای مذکور در وضعیت فدرال و با همدیگر در حالت کنفدرال خواهند بود. مدل مذکور را می‌توان پروژه سیاسی پان‌کردی دانست. زیرا طوری طراحی شده است که مرزهای ملی کشورهایی که جمعیت قابل توجه کرد دارند یعنی ایران، ترکیه و سوریه را نادیده می‌گیرد. کنترل کردستان به اصطلاح روزوا توسط پ.ک.ک.ک. زمینه عملیاتی نمودن ایده اوجلان در کردستان سوریه را فراهم نموده است و بر امیدواری پ.ک.ک.ک. در عملیاتی نمودن آن در کل منطقه افزوده است. در اصل نظام ارزشی که پ.ی.د. آن را در کردستان سوریه ارائه می‌کند مبتنی بر دو مفهوم خودمختاری دموکراتیک^۱ و کنفدرالیسم دموکراتیک^۲ اوجلان می‌باشد. حکومت خودمختار دموکراتیک^۳ در اصل ساختاری برای نظام حکومت محلی است.

^۱. Democratic Autonomy

^۲. Democratic Confederalism

^۳. Democratic Autonomous Administration (DAA)

استراتژی ترکیه در مواجهه با ظهور کردستان سوریه

دولت ترکیه همواره ظهور منطقه خودمختار کرد تحت کنترل حزب اتحاد دموکراتیک و در امتداد مرزهای جنوبی این کشور را تهدیدی بر امنیت ملی و تمامیت ارضی خود تلقی نموده است. سیاست خارجی ترکیه در مواجهه با تهدید مذکور را می‌توان به دو مرحله کلان و کلی تر تقسیم نمود. در مرحله اول آنکارا بیشتر مواجهه نرم با مسئله ظهور کردستان سوریه را پیگیری می‌نمود. با ناکارآمدی استراتژی مذکور سیاست خارجی آنکارا وارد مرحله دوم یعنی فاز مواجهه نظامی گردید.

مرحله اول؛ رویکرد مواجهه نرم ترکیه با مسئله ظهور کردستان سوریه

در این مرحله سیاست خارجی ترکیه هدف دور کردن تهدیدات ناشی از قدرت‌یابی شاخه سوری پ.ک.ک. در مناطق شمالی سوریه و بدن توسل به ابزارهای قهرآمیز را در نظر داشت. سیاست انفعال و اغماض در برابر داعش، استفاده از اهرم بارزانی و چرخش به سوی محور ایران و روسیه در این چارچوب قابل ارزیابی هستند.

سیاست انفعال و اغماض ترکیه در برابر داعش

رهبران ترکیه این کشور را در مواجهه با سه دشمن جداگانه می‌دیدند؛ کردهای سوریه، داعش و حکومت مرکزی سوریه. در این میان شورشیان کرد و اسد در خط مقدم دشمنان ترکیه قرار دارند. آنکارا تمرکز خود را بر روی نابودی کردها و اسد گذاشته است و در این راه در تلاش برای بهره‌گیری از ابزار داعش نموده است. مخالفت آنکارا با ورود به ائتلاف ضد داعش هدف از بین بردن خطر قریب‌الوقوع نهضت کردی در منطقه را پی‌گیری می‌نمود. بدین ترتیب ائتلافی نانوخته میان داعش و ترکیه پدید آمده بود. ترکیه خطر خودمختاری کردها و استمرار اسد را مهم‌تر و استراتژیک‌تر از خود داعش می‌داند. در کل با پیروزی‌های داعش و مبارزه آن در دو جبهه علیه رژیم اسد و حزب اتحاد دموکراتیک کردها، ترکیه سیاست صبر و انتظار در پیش گرفت و مقابله با این گروه را در دستور کار قرار نداد. برخی گزارش‌ها حاکی از عبور هزاران نیروی داوطلب از ملیت‌های مختلف از مرزهای ترکیه برای جهاد در سوریه بودند. در این بین برخی از سیاستمداران و مطبوعات غربی پا را فراتر گذاشته و از همکاری ترکیه با داعش نیز سخن به میان آورده‌اند. اتهام‌هایی همچون حمایت لجستیکی ترکیه از مبارزان داعش، مداوای مجروحان داعش در بیمارستان‌های ترکیه، فراهم نمودن تجهیزات نظامی داعش، آموزش نیروهای نظامی داعش از سوی ترکیه و خرید نفت داعش از جمله موارد ادعایی برخی مطبوعات غربی هستند که از سوی دولت ترکیه به شدت رد شده‌اند. همان‌گونه که مورتون و آبراموویتز (Morton & Abramowitz, 2013)

p.25 معتقدند، بررسی «جوانب کردی» بحران سوریه، مهم‌ترین مسئله و دغدغه آنکارا بوده است. ترکیه امیدوار بود تا حزب اتحاد دمکراتیک کردهای سوریه و یگان‌های مدافع خلق تحت حملات شدید جهادگرایان به نیرویی منفعل و خنثی تبدیل شوند.

سیاست انفعالی آنکارا در قبال داعش را می‌توان تجلی قاعده «دشمن دشمن من، دوست من است» دانست. این «انفعال» و «صبر و انتظار» در قضایای کوبانی به اوج خود رسید (Ghasemi, 2017, p.108). با این حال حملات داعش از تنش سیاسی میان جنبش‌های کردی کاست و سبب شد تا آنان برای نخستین بار در تاریخ مدرن به اتحاد باهم در برابر یک دشمن مشترک روی آورند؛ به عبارت دیگر، بعد از حمله داعش به کوبانی درگیری‌هایی که برای سال‌ها میان سازمان‌های کردی وجود داشت، با توافق میان این گروه‌ها به کناری نهاده شد (Halhalli, 2015, p.98). سیاست صبر و انتظار ترکیه در رابطه با اقدامات داعش آنکارا را در یک وضعیت غیرقابل کنترل امنیتی و مرزی قرار داد. بی‌ثباتی‌های مرزی و انفجارهای انتحاری از ۲۰۱۳ به این سو به شدت افزایش یافته بود. به طوری که ترکیه برای فائق آمدن بر وضعیت ناگوار امنیتی درخواست استقرار سامانه ضد موشکی از ناتو کرد. در کنار گلوله‌باری‌های مرزی، داعش تاکنون حملات تروریستی زیادی را در داخل ترکیه انجام داده است که در برخی از این حملات مراکز تروریستی ترکیه و تروریست‌های خارجی مورد هدف بودند. هرچند داعش اولین حمله تروریستی خود در ترکیه را در مارس ۲۰۱۴ انجام داد ((Daily Sabah, 2017) ولی بعد از بمب‌گذاری خونین در شهر سورچ^۱ در بیست جولای ۲۰۱۵، ترکیه به ائتلاف بین‌المللی ضد داعش پیوست. در ۲۰۱۶ ترکیه یکی از اهداف اصلی حملات داعش بود. در این سال در حدود ۱۲۴ نفر کشته و ۴۱۹ نفر مجروح شدند (Hurriyet Dayli News, 2017).

استفاده ترکیه از اهرم بازرانی و شورای ملی کرد

جنبش کردی در کردستان عراق و سوریه تحت رهبری پ.ی.د. جهان‌بینی سیاسی متفاوتی را از خود به نمایش می‌گذارند. ایدئولوژی آنارشیستی-مارکسیستی پ.ک.ک. مخالف جاه‌طلبی‌های اربیل بوده و آن را در چارچوب نظام سلسله‌مراتبی و قبیله‌ای دانسته و رد می‌نماید (Cemgil&Haffman, 2017, p.61). در مقابل رهبران حزب دموکرات کردستان عراق، همواره پ.ک.ک. را چالشی در برابر توسعه نفوذ خود در میان جوامع کرد خاورمیانه دیده‌اند و در زمینه مقابله با نفوذ پ.ک.ک. منافع آن‌ها منطبق با منافع آنکارا

^۱. Suruc

می‌باشد. روابط پ.ک.ک. و احزاب کرد عراق در طول ۳۰ سال اخیر متشنج بوده است و حتی به درگیری نظامی در دهه ۱۹۹۰ نیز منجر شده است (Gunes&Lowe, 2015, p.11). تحولات سوریه و ظهور پ.ی.د. به رقابت‌های تاریخی پ.ک.ک. و حزب دموکراتیک کردستان بارزانی دامن زده است. حزب پ.ی.د. با حمایت پ.ک.ک. و شاخه نظامی خود یعنی یگان‌های مدافع خلق کرد سوریه و به روش‌های خشونت-آمیز توانسته است احزاب و گروه‌های کرد وابسته به بازانی را به حاشیه رانده و به تنهایی در شمال سوریه و با حمایت‌های پ.ک.ک. اعلام خودمختاری نماید. کشتار بی‌رحمانه تظاهرات کنندگان کرد در شهر حلب سوریه و اتهام ترور ماشال تمو^۱ رهبر حزب آینده کرد از جمله اقدامات پ.ی.د. در حذف خشن دیگر گروه‌ها می‌باشد. در اکتبر ۲۰۱۵ عفو بین‌الملل در گزارشی اعلام نمود که پ.ی.د. و شاخه نظامی آن به زور مردم را از خانه خود آواره کرده، خانه‌هایشان را خراب کرده و اموال و دارایی‌های آن‌ها را توقیف و ویران نموده‌اند. در این گزارش شاخه نظامی حزب متهم به ارتکاب جنایت جنگی شده است (Amnesty International, 2015).

در مقابل خشونت‌های پ.ی.د.، بارزانی با صدور بیانیه‌ای اقدامات پ.ی.د. در حذف دیگر گروه‌ها و احزاب کردی و غیر کرد را انحصارطلبی نامید. در این بیانیه، بارزانی پ.ی.د. را به اتحاد با بشار اسد متهم نمود که نتیجه آن درگیر کردن کردها با گروه‌های افراطی نظیر جبهه النصره است (Jozel, 2014, p.5). دیدگاه بارزانی در واقع منعکس کننده دیدگاه ترکیه نسبت به پ.ی.د. نیز به شمار می‌رفت. مهم‌ترین اقدام بارزانی در رابطه با کردهای سوریه تلاش وی برای متحد کردن گروه‌های کردی به غیر پ.ی.د. در زیر یک چتر بود (Gunes&Lowe, 2015, p.11). در نیمه نخست سال ۲۰۱۲، بارزانی شمار زیادی از تشکل‌های سیاسی کرد پراکنده و رقیب با یکدیگر را در شورای ملی کردهای سوریه برای هم‌آوردی با پ.ی.د. گردآورد. وی نقش مهمی را در امضای تفاهم‌نامه اربیل^۲ در سال ۲۰۱۲ بازی نمود که بر اساس آن شورای عالی کرد^۳ تأسیس گردید و مطابق آن قدرت سیاسی بایستی در شمال سوریه بین شورای ملی کرد و پ.ی.د. تقسیم می‌شد. ولی ابتکار بارزانی نتوانست موفقیتی در عمل به دست آورد و دو حزب در تقسیم قدرت نتوانستند به راه‌حلی دست یابند. در نتیجه، مرز سوریه و عراق به عرصه تقابل بین پ.ی.د. و پ.ک.ک. از یک طرف و حکومت اقلیم کردستان و شورای ملی کرد از طرف دیگر تبدیل گردید. بستن

^۱ Mashaal Tammo

^۲ Erbil Agreement

^۳ Supreme Kurdish Council

مرزها (Park, 2016, p.34) و جلوگیری از ورود افراد و طرفداران بارزانی و پ.ک.ک. (International Crisis Group, 2014, p.10) نمونه‌هایی از دشمنی‌های دو طرف بودند.

آنکارا تلاش نموده است از طریق حکومت اقلیم کردستان عراق اقدامات کردهای سوریه را تحت تأثیر قرار دهد و با استفاده از اهرم بارزانی و شورای مخالفین سوریه، پ.ی.د. را به حاشیه براند. ترکیه همچنین به حمایت از رقیب پ.ی.د. یعنی شورای ملی کرد پرداخت (Taspinar&Toll, 2014, p.8). قدرت‌یابی حزب اتحاد دموکراتیک در شمال سوریه و حاکمیت آن بر مناطق کردنشین این کشور همکاری‌های بیشتر اربیل و آنکارا را موجب شده است و این دو بازیگر مجبور به همکاری علیه پ.ی.د. و پ.ک.ک. شده‌اند. بیانیه‌ها و مخالفت‌های حزب دمکرات بارزانی و شورای ملی کردهای سوریه در برابر اقدامات پ.ی.د. در کاهش مشروعیت آن مؤثر بود و نشان می‌داد که پ.ی.د. تنها بخشی از جوامع کرد سوریه را می‌تواند نمایندگی کند و در میان جوامع غیرکرد و کردهای متمایل به شورای ملی کرد سوریه از مشروعیت لازم برخوردار نیست. همان‌طوری که استفان لارابی^۱ یادآور شده است بارزانی در تلاش بود تا جایگزینی برای پ.ی.د. در سوریه به وجود آورد. جایگزینی که وابسته به اربیل باشد و به همراه اربیل در مدار ترکیه حرکت نماید (Larrabee, 2013, p.141). از دید آنکارا، اقدامات بارزانی از جایگاه خاصی برخوردار بود. لذا ترکیه از تلاش‌های بارزانی حمایت می‌نمود. از سویی دیگر روابط مستحکم آنکارا با کردهای عراق و عدم مخالفت ترکیه با گسترش نفوذ حزب شورای ملی کرد سوریه این ایده را که ترکیه مخالف کردهاست با تردید مواجه می‌نمود. چرا که ترکیه محور مواصلاتی کلیدی اربیل با جهان خارج بوده و روابط اقتصادی خوبی بین دو طرف برقرار می‌باشد. به واسطه جایگاه استراتژیک ترکیه در حیات سیاسی حکومت اقلیم کردستان عراق، بارزانی تلاش می‌کند قدرت‌یابی پ.ک.ک. و پ.ی.د. در شمال سوریه را مهار نماید. هرچند رقابت پ.ک.ک. و شاخه سوری آن پ.ی.د. از یک طرف و اربیل از طرف دیگر برای بسط حوزه نفوذ در میان جوامع کرد منطقه خاورمیانه را می‌توان دلیل دیگری برای مواجهه اربیل و پ.ی.د. دانست. «در واقع کردهای عراق هنگامی که آنکارا تلاش می‌کند پ.ک.ک. و متحد آن پ.ی.د. را تضعیف نماید شریکی استراتژیک برای ترکیه می‌باشند» (Nader& Others, 2016, p.70).

¹. Stephen Larrabee

چرخش ترکیه به سوی محور ایران و روسیه

پیروزی مخالفین سنی اسد که مورد حمایت آنکارا بودند نه تنها ترکیه را در مقایسه با رقیبان منطقه‌ای نظیر ایران در موقعیت مناسبی قرار می‌داد بلکه از شدت آسیب‌پذیری این کشور در مقابل علویان و کردها می‌کاست. به همین جهت حمایت از مخالفین اسد در دستور کار سیاست خارجی ترکیه قرار گرفت. رویکردی که به تنش در روابط ترکیه با دو بازیگر منطقه یعنی روسیه و ایران دامن زد. ساقط نمودن جنگنده روسی توسط نیروهای نظامی ترکیه را می‌توان اوج این تنش دانست. در ادامه تحولات داخلی سوریه، ظهور داعش زمینه‌ساز تغییراتی در رویکرد سیاست خارجی ترکیه در رابطه با بحران سوریه گردید. مبارزه مؤثر کردها با داعش حمایت بازیگران غربی و به‌خصوص آمریکا از یگان‌های مدافع خلق و پ.ی.د را موجب شده و این مسئله آنکارا را در وضعیت دشواری قرار داده است. بازیگران غربی تمایلی به حضور نظامی در سوریه ندارد و در پی استفاده از گروه‌های کردی و دیگر نیروهای سوری برای شکست دادن داعش بودند. بعد از حمله داعش به شهر کوبانی در سپتامبر ۲۰۱۴ در شمال سوریه آمریکا به همکاری با شاخه سوری پ.ک.ک. روی آورده است. در آن زمان بود که رئیس‌جمهور وقت آمریکا یعنی باراک اوباما^۱ به یگان‌های مدافع خلق به‌عنوان ابزاری مؤثر و مفید در مبارزه با داعش پی‌برد. از آن زمان تا به امروزه حکومت‌های آمریکا به‌طور مستقیم حمایت‌های سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک از یگان‌های مدافع خلق به عمل آورده‌اند. در نبردهای داخلی سوریه ایالات متحد نقش نیروی هوایی شاخه سوری پ.ک.ک. و یگان‌های مدافع خلق نیز نقش نیروی زمینی آمریکا را بازی می‌کنند.

رفتار اروپا نیز در رابطه با شاخه سوری پ.ک.ک. چندان متفاوت از آمریکا نبوده است. شاخه سوری پ.ک.ک. قبلاً نیز در اروپا مشغول فعالیت بود. ولی اقدامات آن‌ها در سال‌های اخیر و در نتیجه بحران سوریه به سطح قابل توجهی رسیده است. به پ.ی.د. این اجازه داده شده است در اروپا دفتر رسمی برای خود دایر نمایند و کمک‌های مادی برای فعالیت‌های خود جمع‌آوری نمایند و آزادانه دست به تبلیغ بزنند. هافمن^۲ معتقد است شکست موفقیت‌آمیز گروه‌های تروریستی منوط به درگیر شدن با سه عنصری است که به‌نوعی استراتژی این گروه‌های تروریستی به شمار می‌روند. این سه عنصر عبارتند از: انعکاس مستمر پیام این گروه‌ها، توانایی مستمر گروه‌های تروریستی در جذب افراد تازه‌نفس و پر کردن دوباره صفوف سازمان‌های تروریستی و درنهایت توانایی تجدید سازمان (Hoffman, 2006, p.2). حمایت غرب از

¹. Barak Obama

². Hoffman

مضامین ایدئولوژیک پ.ک.ک. به خصوص موضوع برابر جنسیتی که این حزب ترویج می‌نماید موجب تبلیغ پیام پ.ک.ک. شده و بر توانایی حزب در جذب نیروهای جدید و تقویت پایگاه اجتماعی پ.ک.ک. یاری رسانده است (Hürriyet Daily News, 2016). مقامات آنکارا برخی از کشورهای اروپایی مانند آلمان را متهم نموده‌اند که زمینه تبلیغات گروه‌های تروریستی یعنی پ.ک.ک. را در این کشورها فراهم می‌نمایند. در مجموع تقویت پ.ک.ک. در منطقه که نتیجه اقدامات غرب و به خصوص آمریکا در سوریه بوده است باعث رنجش آنکارا شده است.

در واکنش به همکاری کشورهای غربی با پ.ی.د. ترکیه با چرخش اساسی به سوی محور ایران و روسیه همکاری با این کشورها برای مهار تهدیدات ناشی از قدرت‌یابی پ.ی.د. را اتخاذ نموده است. پیروزی‌های اسد و چرخش ترکیه به سوی محور ایران و روسیه با انفعال هرچه بیشتر محور غربی-عربی همراه بوده است. حمایت محور تهران، مسکو و آنکارا و آمادگی دولت اسد و بخش عمده‌ای از جبهه معارضان سوری شرایط لازم برای ایجاد آتش‌بس دائم و آغاز حل تدریجی بحران طولانی مدت این کشور را فراهم نموده است. در نشست‌های آستانه^۱ به دلیل مخالفت ترکیه حزب اتحاد دمکراتیک حضور نداشته است و در این نشست‌ها همواره تمامیت ارضی سوریه مورد تأکید قرار گرفته است. موضعی که بیشتر در راستای امنیت ملی ترکیه بوده است. از جمله توافقات نشست آستانه حضور نیروهای ایرانی، روسی و ترکی در منطقه ادلب سوریه که در امتداد دریای مدیترانه می‌باشد بوده است. با استقرار این نیروها حزب اتحاد دمکراتیک رؤیای گسترش قلمرو جغرافیایی کردستان سوریه و متصل نمودن مناطق کردنشین خاورمیانه به آب‌های آزاد مدیترانه را برپا داشته می‌بیند. همراهی روسیه با ترکیه در حمله به منطقه عفرین را می‌توان از دیگر دستاوردهای چرخش ترکیه به سوی ایران و روسیه دانست. قبل از حمله ترکیه به عفرین، نیروهای روسیه از منطقه خارج شده و زمینه حمله نیروهای نظامی ترکیه به منطقه عفرین تحت کنترل پ.ی.د. را فراهم نمودند. کنترل حریم هوایی سوریه در اختیار نیروهای روسیه می‌باشد و در جریان حمله عفرین نیروهای روسیه حریم هوایی منطقه را برای پرواز جنگنده‌های ترکیه و بمباران مواضع یگان‌های مدافع خلق آزاد گذاشتند.

^۱. Astana

مرحله دوم؛ مواجهه نظامی و ایجاد منطقه امن در شمال سوریه

از دید رهبران ترکیه ایجاد منطقه امن در امتداد مرزهای جنوبی این کشور و در داخل قلمرو جغرافیایی سوریه ابزاری کلیدی در دفع تهدیدات پ.ی.د. به شمار می‌رود. لذا ایجاد منطقه امن در شمال سوریه را می‌توان مهم‌ترین بخش استراتژی ترکیه در قبال تحولات شمال سوریه قلمداد نمود. آنکارا در ابتدا در تلاش بود با همراهی متحدین غربی خود به ایجاد منطقه مذکور نائل شود ولی بی‌توجهی متحدین ترکیه در پیمان ناتو به نگرانی‌های امنیتی این کشور اصل خودیاری در نظام بین‌الملل را برای رهبران ترکیه یادآور گردید. اشاره اردوغان به مثل معروف ترکی که می‌گوید ما باید خودمان ناف خود را ببریم نیز به این حقیقت تأکید دارد. وی در این رابطه می‌گوید: «ناف خود را باید خودمان ببریم. بحران سوریه را ما باید خودمان حل کنیم نه دیگران» (Sabah, 2018). علمی‌ات نظامی ترکیه در فاصله سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ منجر به حضور نظامی این کشور در شمال سوریه گردید. این عملیات باعث شد تا ترکیه جاپای مستحکمی در سوریه برای خود داشته باشد و به این ترتیب بتواند تمامیت ارضی ترکیه را در مقابل تهدیدات پ.ک.ک. حفظ نموده و در سرنوشت آینده سوریه تأثیرگذار باشد. حضور ترکیه در شمال سوریه فقط به حضور نظامی این کشور محدود نبوده است. این کشور با صرف هزینه‌های قابل توجه سعی در بازسازی این مناطق نیز داشته است.

زیر ساخت‌های لازم نظیر مدارس، شبکه برق و بهداشت و درمان برای اسکان مردم توسط ترکیه فراهم شده است و جمعیت مناطق تحت کنترل ترکیه رو به فزونی می‌باشد (Aydıntaşbaşı, 2020, p.10). هزینه ترکیه در منطقه بیشتر هدف تسخیر ذهن و قلب مردمان محلی را در نظر دارد. تا آنکارا بتواند جوامعی طرفدار خود و در امتداد مرزهای جنوبی این کشور ایجاد نماید. لازم به ذکر است ساکنان منطقه امن ایجاد شده را عمدتاً اعراب سنی تشکیل می‌دهند و بقای این مناطق و مردمان آن بیشتر مدیون حمایت‌های سیاسی، اقتصادی و ارتباطاتی ترکیه می‌باشد. هدف دیگر بازسازی مناطق امن بازگشت آوارگان سوری ساکن ترکیه به این مناطق می‌باشد. با توجه به اینکه در ترکیه نزدیک به ۳/۶ میلیون پناهنده سوری ساکن هستند یکی از اهداف عملیات نظامی ترکیه بازگرداندن این آوارگان به خانه و کاشانه خود در شمال سوریه می‌باشد. در این راستا مقامات ترکیه بر این باورند منطقه امن در شمال سوریه با تکمیل زیر ساخت‌ها لازم پذیرای دو میلیون پناهنده سوری خواهد بود (Aydıntaşbaşı, 2020, p.21). حضور نظامی ترکیه در شمال سوریه که با هدف ایجاد منطقه امن در شمال این کشور و در هم شکستن اقتدار شاخه سوری

پ.ک.ک. بوده است در چهار مرحله و در قالب عملیات سپر فرات^۱، حضور نظامی در منطقه ادلب^۲، عملیات شاخه زیتون^۳ و عملیات چشمه صلح^۴ صورت گرفته است. که در زیر مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

عملیات سپر فرات

حملات تروریستی داعش در ترکیه باعث گردید آنکارا سیاست انفعال در برابر داعش را مورد بازبینی قرار دهد. لذا آنکارا در کنار پیوستن به ائتلاف ضد داعش، عملیات نظامی مستقیمی را علیه داعش به راه انداخت و تحت عنوان عملیات سپر فرات وارد قلمرو جغرافیایی سوریه گردید و مناطق تحت کنترل داعش در شمال سوریه را مورد هدف قرار داد. در واقع نخستین مداخله نظامی ترکیه در شمال سوریه در سال ۲۰۱۶ و با عملیات سپر فرات شروع گردید. به نظر می‌رسد یکی از هدف‌های اصلی ترکیه از عملیات نظامی در شمال سوریه و تصرف بخش‌هایی از مناطق تحت کنترل داعش نظیر جرابلس^۵ و الباب^۶ جلوگیری از پیشروی هر چه بیشتر کردها و کنترل نوار مرزی ترکیه تسلط آن‌ها می‌باشد. در اوایل سال ۲۰۱۶ ترکیه مواضع پ.ی.د. را در شمال سوریه هدف حملات توپخانه‌ای خود قرار داده بود و در آن زمان تهدید کرده بود در صورت تداوم عملیات نظامی پ.ی.د. در شمال سوریه به عملیات نظامی مستقیم نیز اقدام خواهد نمود (Zanotti, 2016, p.6). در این حملات همزمان با داعش آنکارا مواضع پ.ی.د. را نیز مورد هدف قرار می‌داد. آنکارا توانست مناطقی را قبل از اینکه به دست کردها بیفتد از کنترل داعش خارج نماید. ترکیه با عملیات نظامی خود توانست از اتصال مناطق سه گانه تصرف شده توسط کردها به یکدیگر و ایجاد قلمروی یکپارچه که به طرف دریای مدیترانه گسترش می‌یافت جلوگیری نماید و مانع الحاق منطقه عفرین به دو منطقه کردنشین دیگر یعنی کوبانی و جزیره گردید. ترکیه در پوشش مبارزه با داعش بیش‌تر در پی تضعیف گروه‌های کرد وابسته با پ.ک.ک. در جغرافیای سوریه بود. گرچه مقامات ترکیه در سیاست‌های اعلامی خود از عدم تمایز میان گروه‌های تروریستی سخن می‌گویند اما در مقام عمل بیش از آنکه دغدغه مبارزه با داعش را داشته باشند در پی ریشه کن کردن گروه‌های فعال کرد در جغرافیای خود و سوریه هستند.

¹. Euphrates Shield

². Idlib

³. Olive Branch

⁴. Peace Spring

⁵. Jarabulus

⁶. Al Bab

استقرار نیروهای نظامی ترکیه در منطقه ادلب سوریه

در اواخر سال ۲۰۱۷ ترکیه اعلام نمود که بر اساس توافق انجام شده بین ایران، روسیه و ترکیه این کشور در حال اعزام نیرو به استان ادلب سوریه می‌باشد و با انتقال یگان‌های ارتش ترکیه به منطقه، نقش ترکیه در تأمین امنیت ادلب که پیشتر یکی از مناطق درگیری بین رژیم اسد و مخالفان بود، پررنگ‌تر خواهد شد. بنابراین استقرار نیروهای نظامی ترکیه در ادلب نتیجه مذاکرات صلحی بود که در آستانه، پایتخت قزاقستان، میان ایران و روسیه به‌عنوان متحدین دمشق از یک طرف و ترکیه به‌عنوان حامی مخالفان سوری از طرف دیگر برقرار شده بود (Baresh, 2019, p.4). مطابق توافق نامه آستانه، نیروهای مسلح ترکیه به‌عنوان «نیروهای کنترل تنش» در منطقه ادلب مستقر گردیدند. بر این اساس ترکیه در مناطق داخلی ادلب و نیروهای روسیه نیز در مناطق حومه آن، مراکز نظارت ایجاد خواهند کرد و مناطق کاهش تنش یا به عبارتی مناطق امن ایجاد خواهند نمود. طبق این توافق ارتش ترکیه می‌تواند ۱۲ مرکز کنترل در حد فاصل شمال تا جنوب ادلب ایجاد کند. گروه‌های تروریستی و تکفیری نظیر داعش و جبهه النصره شامل گروه‌های قید شده در آتش‌بس نیستند.

ترکیه هدف از اعزام نیروهای مسلح به ادلب را مقابله با نفوذ پ.ک.ک. در منطقه، تقویت آتش‌بس میان نیروهای مخالفین و رژیم اسد، حمایت از روند پایان دادن به درگیری‌ها، رساندن کمک‌های بشردوستانه به منطقه و تأمین شرایط برای بازگشت آوارگان سوری به خانه‌هایشان اعلام نموده است. با توجه به اینکه پ.ک.ک. و شاخه سوری آن از سال ۲۰۱۱ به این طرف منطقه عفرین را در کنترل خود دارند و برای تکمیل کریدور مورد نظرشان به تسلط بر بخش‌هایی از استان ادلب نیاز دارند، مهم‌ترین هدف ترکیه از حضور در ادلب جلوگیری از شکل‌گیری کریدور کردی در امتداد مرزهای جنوبی این کشور می‌باشد. کریدوری که از شمال عراق و مرزهای جنوب شرقی ترکیه شروع شده و به دریای مدیترانه ختم می‌شود.

عملیات شاخه زیتون

عملیات نظامی سپر فرات باعث جدایی منطقه عفرین از دو منطقه دیگر تحت کنترل پ.ی.د. شده بود. ترکیه با انجام عملیات شاخه زیتون قصد داشت منطقه عفرین را به‌طور کامل از کنترل پ.ی.د. خارج نماید. عملیات شاخه زیتون، در راستای تحقق چندین هدف آغاز شده بود که مهم‌ترین آن عبارتند بودند از: پاکسازی منطقه عفرین از حضور گروه‌های تروریستی که امنیت ملی ترکیه را در معرض خطر جدی قرار داده بودند؛ تأمین امنیت مرزهای ترکیه با سوریه و جلوگیری از شلیک موشک و خمپاره به سوی

مناطق مرزی و ایجاد «منطقه امن» برای بازگشت آوارگان سوری به روستاها و شهرهای خود. با این حال هدف عمده دیگر ترکیه از عملیات شاخه زیتون جلوگیری از شکل‌گیری کریدوری است که مناطق تحت کنترل پ.ک.ک. و پ.ی.د. را با عبور از برخی مناطق عرب‌نشین سوریه به دریای مدیترانه وصل می‌کند. همچون عملیات سپر فرات در این عملیات نیز ترکیه بارها اعلام کرده است که این کشور هرگز کردهای سوریه را هدف قرار نمی‌دهد. کردها بیش‌ترین آسیب را از اقدامات پ.ک.ک. و دیگر شاخه‌های آن در منطقه دیده‌اند. به‌عنوان نمونه پس از تسلط پ.ی.د. بر شمال سوریه، بیش از ۲۰۰ هزار نفر از کردهای سوریه به ترکیه پناه برده‌اند. علاوه بر این، دولت ترکیه از «شورای ملی کردهای سوریه» که متشکل از ۱۵ حزب و گروه کرد سوری می‌باشد، حمایت می‌کند (Sadeghi & Rahimi, 2017, p.422).

عملیات چشمه صلح

در عملیات‌های قبلی ترکیه موفق شده بود نوار مرزی سوریه در منطقه غرب فرات را از کنترل نیروهای مدافع خلق خارج نماید. عملیات چشمه صلح هدف دور کردن نیروهای مذکور از مرزهای ترکیه در شرق فرات را در نظر داشت. برای سالیان متوالی کردها متحد آمریکا در سوریه به شمار می‌رفتند و در مقابل آمریکا همواره از مخالفان حمله ترکیه به شمال سوریه بوده است. در اصل ساختار نظام بین‌الملل مانع عملیات ترکیه در شمال سوریه می‌گردید. اما اعلام ترامپ مبنی بر بیرون کردن نیروهای خود از شرق فرات در شمال سوریه در ششم اکتبر ۲۰۱۹ زمینه حمله ترکیه به این منطقه را فراهم نمود. نیروهای آمریکایی در شمال سوریه بیشتر نقش حائل بین کردها و ارتش ترکیه را بازی می‌نمود. آنکارا اعلام واشنگتن برای خروج از سوریه را به منزله چراغ سبز برای حمله به شمال سوریه تعبیر می‌نمود (Aziz, 2020, p.15). به همین جهت این کشور عملیات نظامی چشمه صلح را در نهم اکتبر ۲۰۱۹ شروع نمود. اما انتقادات و فشارهای نظام بین‌الملل باعث گردید تا عملیات نظامی ترکیه چندان دوام نیاورد. سرانجام در ۲۳ اکتبر ۲۰۱۹ اردوغان و پوتین به‌عنوان روسای جمهور ترکیه و روسیه در شهر سوچی^۱ روسیه طرح جدیدی را برای پایان دادن به تهاجمات ترکیه اعلام نمودند. اهم توافقات دو کشور چنین بود: نیروهای ترکیه نوار ۱۲۰ کیلومتری حد فاصل تل‌ایید^۲ و رأس‌العین^۳ را در کنترل خود خواهند داشت؛ بقیه

^۱. Sochi

^۲. Tal Abyad

^۳. Ras al-Ayn

نقاط مرزی در کنترل روسیه و نیروهای اسد خواهد بود و نیروهای مدافع خلق کرد به ۳۰ کیلومتر دورتر از مرز ترکیه عقب خواهند نشست؛ و، نیروهای ترکیه و روسیه در عمق ده کیلومتری مرز به گشت زنی خواهند پرداخت (Aziz, 2020, p.17). در مجموع عملیات چشمه صلح و توافق نامه صلح باعث عقب نشینی نیروهای مسلح پ.ی.د. از نوار مرزی ترکیه در شمال سوریه گردید. نقشه زیر آرایش نهایی نیروها در مناطق شمالی سوریه نشان می دهد.



Source: Conflict Monitor by IHS Markit, ISW (Turkey/Russia deal), 28 October 2019 **BBC**

(Aziz, 2020, p.17)

نتیجه‌گیری

راهبرد سیاست خارجی ترکیه در رابطه با ظهور کردستان به اصطلاح روزوا که پ.ک.ک. آن را بخش غربی کردستان بزرگ در نظر دارد، بیشتر دارای ماهیت تدافعی بوده است. استراتژی ترکیه در مواجهه با ظهور کردستان سوریه در امتداد مرزهای جنوبی این کشور در چارچوب سیاست صبر و انفعال در قبال داعش، حمایت از حزب دمکرات بارزانی و دنباله‌های سیاسی آن در سوریه و در نهایت حضور نظامی در بخش‌هایی از شمال سوریه است با هدف دفع تهدیدات امنیتی نو ظهور حزب اتحاد دمکراتیک کردهای سوریه در محیط امنیتی فوری ترکیه. ترکیه در ابتدا سیاست منفعلانه‌ای در قبال داعش در پیش گرفت؛ زیرا بر این باور بود که درگیری هرچه بیشتر داعش با پ.ی.د. باعث به تحلیل رفتن توان نظامی شاخه نظامی پ.ی.د. یعنی یگان‌های مدافع خلق کرد سوریه خواهد شد. در ادامه آنکارا با حمایت از بارزانی و شورای ملی کرد وابسته به آن در مقابل پ.ک.ک. و دنباله‌های سیاسی و نظامی آن در کردستان سوریه تلاش نمود از شکاف‌های موجود در درون گروه‌های کرد به نفع خود استفاده نماید. در این مرحله آنکارا می‌خواست با مشارکت فعال در شکل‌گیری نظم سیاسی جدید در شمال سوریه از قدرت‌یابی گروه‌های کرد همسو با بارزانی حمایت نماید و با به حاشیه راندن پ.ک.ک. و پی.ی.د. تهدیدات امنیتی ناشی از ظهور کردستان به اصطلاح روزوا جلوگیری نماید. حمایت دولت‌های غربی و به‌خصوص آمریکا از پ.ی.د. ناکارآمدی استراتژی صبر و انفعال در برابر داعش و استفاده از اهرم بارزانی را موجب گردید. در نتیجه ترکیه به‌ناچار برای دفع تهدیدات پ.ک.ک. و پ.ی.د. همراهی با محور ضدغربی یعنی محور ایران و روسیه و در نهایت حضور نظامی در شمال سوریه را برگزید. هرچند امروزه پ.ک.ک. با استفاده از تمام ظرفیت و توان خود بر کسب نتیجه دلخواه خود در سوریه متمرکز شده است، ولی نباید فراموش کرد پ.ک.ک. هدف ایجاد کردستان بزرگ در منطقه خاورمیانه را دارد. ایده پان‌کردی پ.ک.ک. با هدف ایجاد خودمختاری‌های دمکراتیک و کنفدرالیسم دمکراتیک در جوامع کرد خاورمیانه تهدید امنیتی جدی برای کشورهای با جمعیت کرد قابل توجه نظیر ایران نیز به شمار می‌رود. لذا همکاری کشورهای منطقه یعنی ایران، ترکیه، سوریه و عراق برای مهار ناسیونالیسم کردی و حمایت از تمامیت ارضی سوریه امری ضروری بوده و در راستای امنیت ملی و منافع بلندمدت کشورهای مذکور خواهد بود.

References

- Adar, S. (2020). Repatriation to Turkey's "safe zone" in north east Syria: Ankara's goals and European concerns, *The center for applied Turkey studies (CATS)*.
- Amnesty International. (2015). Syria: 'we had nowhere to go' forced displacement and demolitions in northern Syria, 12 October, at: <https://www.amnesty.org/en/documents/mde24/2503/2015/en>.
- Aydıntaşbaş, A. (2020). A new Gaza: Turkey's border policy in northern Syria, *The European council on foreign relations (ECFR)*.
- Aziz, L. (2020). The Syrian Kurds in the US foreign policy: long-term strategy or tacticalploy? at: http://cecrilouvain.be/wp-content/uploads/2020/01/Note-danalyse_LaraAziz_Version-finale.pdf.
- Babri, N. & Khiri, M. (2017). *Explanation the roots of Syrian crisis until 2017*, Tabriz: Yeelage Galam. (in Persian)
- Baresh, M. (2019). The Sochi agreement and the interests of guarantor states: examining the aims and challenges of sustaining the deal, *Robert chuman centre for advanced studies*.
- Berg, F. (2019). Turkey's security and the Syrian civil war, at: <https://www.diva-portal.org/smash/get/diva2:1387121/FULLTEXT01.pdf>.
- Bock, A. M., & Ingo, H. (2013). Why balancing fails, at: http://www.jaeger.unikoeln.de/fileadmin/templates/publikationen/AIPA2_2013.pdf.
- Bröker, L. (2016). Any hope for a Kurdish state? The United States, Germany and the prospects of Kurdish self-determination, Heinrich-Böll-Stiftung North America.
- Cemgil, C. & Hoffman, C. (2016). The 'Rojava revolution' in SyrianKurdistan: a model of development for the Middle East? *Institute of Development Studies*, 47(3), 27-43.
- Chittenden, M. (2016). Turkey and the Kurds: conflict with the Kurdistan Workers' Party and implications for Turkey-United States relations, *Global Security Studies*, 7(3), 31-40.
- Daily Sabah (2017). A chronology of Daesh attacks targeting Turkey, at: <https://www.dailysabah.com/war-on-terror/2017/01/01/a-chronology-of-daesh-attacks-targeting-turkey>.
- Dapkus, S. (2016). Turkey's security dilemma on the border with Syria: situation assessment and perspectives of the intervention, at: http://lfpr.lt/wp-content/uploads/2016/01/LFPR_2015_33_Dapkus.pdf.

- Esmailzadeh, Y. (2013). Turkey's foreign policy towards the Middle East (2002-2013), *Switzerland Research Park Journal*, 103(1), 327-335.
- Ghasemi, M.A. (2017). An analysis of Turkey's strategy against ISIL, *Strategic Studies Quarterly*, 19(73), 93-114. (in Persian)
- Gunes, C. & Lowe, R. (2015). The impact of the Syrian war on Kurdish politics across the Middle East, *Chatham House*, at: https://www.chathamhouse.org/sites/files/chathamhouse/field/field_document/20150723SyriaKurdsGunesLowe.pdf.
- Gunter, M. (2016). The Kurdish issue in Turkey: back to square one? *Turkish Policy Quarterly*, 14(4), 48-61.
- Halhalli, B. (2015). Turkey's Rojava dilemma, *Research Turkey*, 4(3), 1-5.
- Hoffman, B. (2006). Combating Al Qaeda and the militant islamic threat, *RAND*, February, at: http://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/testimonies/2006/RAND_CT255.pdf.
- Hurriyet Daily News (2013). PYD has authority only on regions 'given by the al-Assad regime': Iraqi Kurdish leader Barzani, at: <http://www.hurriyetaidailynews.com/pyd-has-authority-only-on-regions-given-by-the-al-assad-regime-iraqi-kurdish-leader-barzani.aspx?pageID=238&nID=57956&NewsCatID=352>.
- Hürriyet Daily News (2016). Fransa'da öğrencilere terör propagandası, 10 May, at: <http://www.hurriyet.com.tr/fransada-ogrencilereteror-propagandası40101713>.
- Hurriyet Daily News (2017). Turkey became major target of ISIL attacks in 2016, at: <http://www.hurriyetaidailynews.com/turkey-became-major-target-of-isil-attacks-in2016.aspx?pageID=238&nID=108047&NewsCatID=341>.
- Ibrahim, A. (2018). Foreign fighters join YPG fight against Turkey in Afrin, Middle East Eye, at: <http://www.middleeasteye.net/news/foreign-fighters-join-ypg-fight-against-turkey-afrin-345482131>.
- International Crises group. (2013). Syria's Kurds: a struggle with in a struggle, Middle East Report N°136.
- International Crisis Group. (2014). Flight of Icarus? The PYD's precarious rise in Syria, Middle East Report No 151, at: <http://www.crisisgroup.org/en/regions/middle-east-north-africa/syria-lebanon/syria/151-flight-of-icarus-the-pyd-s-precarious-rise-in-syria.aspx>.
- Jozel, A. (2014). Ankara-Erbil-Baghdad axis: a question of energy and politics, *Arab Center for Research and Policy Studies*.

- Kardas, S. (2010). Turkey: redrawing the Middle East map or building castle in the sandcastles? *Middle East Policy*, 17(1), 115-136.
- Kurd press news agency. (2017). Free eagles of Kurdistan and its relation with PKK, at: <https://kurdpress.com/Fa/NSite/FullStory/?Id=120051>.
- Larrabee, St. (2013). Turkey's New Kurdish opening, *Survival: Global Politics and Strategy*, 55(5), 37-52.
- Morton, I. & Abramowitz, E.E. (2013). U.S. - Turkish cooperation toward a post-Assad Syria, *Bipartisan Policy Center*.
- Nader, A. & Hanauer, L. & Allen, B. & G. Scotten, A. (2016). Regional Implications of an Independent Kurdistan, *RAND corporation*, at: http://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/research_reports/RR1400/RR1452/RAND_RR1452.pdf, (Accessed on: 22/6/2017).
- Park, B. (2016). KRG-Turkey relations from the KRG's perspective, in the AKP and Turkish foreign policy in the Middle East, *Middle East Centre*, at: http://eprints.lse.ac.uk/66139/1/Kaya_AKPForeignPolicy_2016.pdf.
- Phillips, C. (2011). *Turkey and Syria*, London: School of economics and political science.
- Rose, G. (1998). Neoclassical realism and theories of foreign policy, *World Politics*, 51(1), 144-172.
- Sabah. (2018). Kendi göbeğimizi kendimiz kesmeliyiz", at: <https://www.sabah.com.tr/gundem/2018/11/29/milli-paramizi-kullanmaliyiz>.
- Sadeghi, S.S. & Rahimi, A. (2017). Kurdish diaspora and geopolitical interests' role in Turkey's strategy in Iraq and Syria Kurdistan region (2003-2015), *Politic Quarterly*, 47(2), 411-430. (in Persian)
- Taşpınar, Ö. & Tol, G. (2014). Turkey and the Kurds: from predicament to opportunity, *Us – Europe Analysis Series*, No.54.
- Tocci, N. (2013). Turkey's Kurdish gamble, *The International Spectator*, 48(3), 67-77.
- Türkiye Cumhuriyeti Cumhurbaşkanlığı. (2018). MGK bildirisi: "türkiye, sınırlarının yanı başında terörist ordusu kurulmasına izin vermeyecek", at: <https://www.tccb.gov.tr/haberler/410/89117/mgk-bildirisi-turkiye-sinirlarinin-yani-basinda-terorist-ordusu-kurulmasına-izin-vermeyecek>.
- Walt, S. (1987). *The origins of alliances*, Ithaca, N. Y.: Cornell university.
- Yüksel, E., & Veen, E. (2019). Turkey in northwestern Syria rebuilding empire at the margins, *The Netherlands institute of international relations*.

- Zakaria, F. (1998). *From wealth to power: the unusual origins of America world role*, Princeton: Princeton university press.
- Zattoni, J. (2016). Turkey: background and U.S. relations in brief, *Congressional research service*, at:
<https://fas.org/sgp/crs/mideast/R44000.pdf>.